

دگرگونی اندیشه در نظریه‌ی برنامه‌ریزی

مجتبی رفیعیان - نریمان جهانزاد

گروه شهرسازی - دانشگاه تربیت مدرس

۱۳۹۴

انتشارات آرمان شهر

سرشناسه: رفیعیان، مجتبی، ۱۳۴۴ - عنوان و نام پدیدآور: دگرگونی اندیشه در نظریه ی
برنامه ریزی مشخصات نشر: تهران: آرمان شهر، ۱۳۹۴. مشخصات ظاهری: ج.
شابک: دوره: ۲-۲۰-۶۲۴۸-۶۰۰-۹۷۸-۶۲۴۸-۲۱-۹-۲؛ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۴۸-۶۲۴۸-۲۱-۹-۲ وضعیت فهرست
نویسی: فیبای مختصر یادداشت: فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است شناسه افزوده: جهان زاد نریمان، ۱۳۶۸-
شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۳۴۵۹۴



دگرگونی اندیشه در نظریه برنامه ریزی

مجتبی رفیعیان، نریمان جهانزاد

ناظر فنی: سیدمحمد مهدی هوشمند

ناشر: انتشارات آرمانشهر

چاپ اول: ۱۳۹۴

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: سارنگ

بهاء: ۱۵۵۰۰ تومان

مرکز توزیع: نشر و پخش ثمین

نشانی: تهران- خیابان انقلاب- خیابان دوازده فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری غربی بن بست مرکزی

پلاک ۱ تلفکس: ۶۶۹۶۱۹۲۰ - ۶۶۹۷۲۸۷۱

ج. ۲: ۹-۲۱-۶۲۴۸-۶۰۰-۹۷۸

شابک: دوره: ۲-۲۰-۶۲۴۸-۶۰۰-۹۷۸

n_p_samin@yahoo.com

www.armanshahr.pub.ir

پیشگفتار

برنامه ریزی مدرن با آرای هاورد، گدس و روش برنامه ریزی بارون هوسمان آغاز گردید و سرچشمه‌ی الگوی برنامه ریزی عقلانی- اثباتی سال‌های ۳۰ تا ۵۰ میلادی در اروپا و آمریکا شد. از سال‌های پس از جنگ دوم رفته رفته دیدگاه‌های گوناگونی در حیطه‌ی شهرسازی و نظریه‌ی برنامه ریزی ظهور کردند. به طوری که در سال‌های پس از دهه‌ی ۱۹۷۰ شاهد پنج گذار یا تغییر در اندیشه‌ی برنامه ریزی بودیم. تغییراتی که برخی متفکران آنرا گذار از تفکر مدرن برنامه ریزی به تفکر پست مدرن دانستند (Dear, 1986, Ellin, 1999, Hirt, 2005). این موضوعات همراه از مسائل برنامه ریزی بوده اند و تنها شیوه‌ی مواجهه با آنها- به موازات سایر تحولات- تفاوت کرده است. موضوعاتی نظیر «فرایند برنامه‌ریزی و مساله‌ی خیر عمومی»، «اولویت‌های برنامه ریزی»، «تسبب برنامه ریزی با سنت»، «برنامه ریزی کاربری زمین» و «فرم و تراکم شهری». در ادامه بطور اجمالی به تحولات اندیشه‌ی برنامه ریزی در قبال هر یک از این موضوعات اشاره می‌کنیم.

۱- **فرایند برنامه ریزی و خیر مشترک عمومی:** از برنامه ریزی رها- از- ارزش به برنامه ریزی ارزش- مدار برنامه‌ریزی شهری به عنوان یک حرفه، ریشه در سنت روشنگری دارد و پدیده‌ای مدرن است. تلقی برنامه‌ریزی مدرن به تبع اندیشه و فلسفه‌ی مدرن، این بوده است که قوانین واقعیت^۱ (یعنی قوانین شهرسازی) بطور عینی وجود دارند؛ خیر مشترک همگانی بطور عینی قابل تعریف است؛ و منحصراً برنامه ریزان و سایر متخصصین امر قادر به درک نحوه‌ی عملکرد شهر هستند و می‌دانند چه چیزی برای شهروندان خوب است و چه چیز بد. می‌توان تبلور تفکر مدرنیستی را در مدل عقلگرایی جامع دید، مدلی که تا دهه‌ی ۱۹۷۰ بر حرفه‌ی برنامه ریزی غلبه داشت. اندیشه‌ی پست مدرن پایه‌های عقلگرایی جامع را به چالش کشید و علیه سلطه‌ی عقل گرایی مدرنیستی ایستاد. ویژگی‌های آن را می‌توان به بیان بث مور میلروی^۲ در عبارات زیر خلاصه کرد: پست مدرنیسم شالوده شکنانه^۳ است به این معنا که باورها و ارزش‌های مسلط و پذیرفته شده را به چالش می‌کشد؛ ضد بنیادگرایی است به این معنا که قوانین جهان شمول و تعاریف یکنانی از حقیقت و خیر را به پرسش می‌کشد؛ ضد دوالیسم است به این معنا که با تمایز فاکت از ارزش مخالف است؛ و نهایتاً مروج و حامی تكثر و تفاوت است (Moore-Milroy, 1991: 183).

-
1. Laws of reality
 2. Beth moore-milroy
 3. deconstructive

بنابراین از منظر پست مدرن هر ادعایی مبنی بر یافتنِ خیرِ عمومیِ خالی از تعارض^۱ و داعیه‌های برنامه‌ریزان به عنوانِ کارشناسانِ انحصاریِ تعریفِ خیرِ عمومی، توهی بیش نیست. نظریه‌ی برنامه‌ریزی پس از سال‌های ۱۹۷۰ بجای برنامه‌ریزی متخصص-مدار، در پی یافتنِ روشِ تقویت و پرورشِ برنامه‌ریزیِ شهروند-مدار بوده است. بنابراین گذار از برنامه‌ریزی مدرن به پست مدرن در حیطه‌ی فرایندِ برنامه‌ریزی و مساله‌ی خیرِ عمومی، گذار از رویکردِ «بالا به پایین»، به رویکردی واقع‌بینانه‌تر و مشارکتی است.

۲- اولویت‌های برنامه‌ریزی: از برنامه‌ریزی به منظور افزایش کارایی به برنامه‌ریزی به منظور افزایش حس به مکان

به موازاتِ گذارِ معرفت‌شناختی از عقلانیتِ مدرن و داعیه‌های کلی‌گرایی آن در بابِ حقیقت، به سوی دفاع از تکثر و تفاوت، تفکرِ پست مدرن علیهِ اثبوت‌سازی، استاندارد‌گرایی و یکسانی و یکسان‌سازی نیز عصیان کرد. در برنامه‌ریزی، جستجوی مدرنیستی برای نظم عقلانی (عقلانی)، از منظر کارایی تکنولوژیکی هر چه بیشتر و عشق به ماشین درک می‌شد) بطورِ اخص، بروزاتِ روشنی داشت. ایدئولوژی‌های مدرنیستی، قائل به نوعی کارایی ماشین‌گون بودند: لوکوربوزیه خانه را ماشینی تعریف می‌کرد برای زیستن درون آن؛ او آن گونه زیبایی‌شناسی را تحسین می‌کرد که در آن «تکرار بر همه چیز غلبه دارد»، و مدعی بود «شهرِ موفق شهرِ سرعت است». فرانک لوید رایت در برنامه‌ریزی به مقیاس انسان پیاده توجه نداشت بلکه انسانِ مورد نظرِ او انسانِ سوار بر ماشین بود. این ایده‌ها که بنابر آنها هدف کانونی برنامه‌ریزی فرمِ شهرهایی با بیشترین قرابت تکنولوژیکی و کارامدی بود (شهرِ کارآمد) تا سال‌های پس از جنگ دوم تداوم داشت.

در واکنش به هژمونی ناشی از رهیافتِ فوردیستی در برنامه‌ریزی-از حومه‌نشینی گسترده تا برج‌های سبک بین‌الملل در مراکز شهرها و بزرگراه‌هایی که از وسط محلات گذر کرده بودند- جمعی از نظریه پردازانِ مخالفِ برنامه‌ریزی مدرن ظهور کردند. این نظریه‌پردازان از موضوعاتی نظیر پیچیدگی شهری و تنوع شهری (جاکوبز)؛ شکل خوب شهر (لینچ)؛ جستجو برای «شهرِ خاطره‌های جمعی» (بویر)؛ اهمیتِ تصویر ذهنی شهری، الگوهای آن و خوانایی‌اش و نیز حس مکانِ شهری (لینچ، الکساندر)؛ و مقیاس‌های انسانی (نه ماشینی) برنامه‌ریزی (کالتروپ)، دفاع کردند. تاثیر این دیدگاه‌ها را می‌توان در جنبش‌های برنامه‌ریزی معاصر نظیر باززنده‌سازی محلات تا شهرسازی جدید^۲ بوضوح مشاهده کرد. این جنبش‌ها بیانگرِ یک گذارِ کلی هستند در توجه برنامه‌ریزی از اهدافِ کمیِ قابلِ اندازه‌گیری و مربوط به کارایی، به اولویت‌های ناملموس‌تر، کیفی‌تر و «ترم»‌تر. در این سال‌ها شاهدِ اولویت‌هایی نظیر «بازسازی اجتماع» یا «حس مکان» و دیدگاه‌های مشابه که به عنوانِ عناصرِ کلیدی

1. Conflict-free

2. New urbanism

پست مدرنیته شدن فرهنگ جهانی بوجود آمده اند، هستیم: گذار از ارزش‌های ماتریالیستی به ارزش‌های مبتنی بر کیفیت زندگی. بنابراین ظهور اندیشه‌ی پست مدرن در برنامه ریزی و شهرسازی را می‌توان یک گسست از عقلانیت کل گرا، کارکردگرایی، تیپوریسم و استعاره‌ی ماشین، به جستجوی کاراکتر و هویت شهری، ویژگی‌های منحصر به فرد شهر، ارجاعات و یادمانهای بصری و آفرینش نشانه‌های شهری دانست.

۳- برنامه ریزی و گذشته: از ضدیت با سنت تا برنامه ریزی معطوف و مبتنی بر توجه به سنت در کنار گرایش به تکنولوژی، شکلی از ضدیت با گذشته و مخالفت با ساختارهای تاریخی به مثابه ارتجاع و عملی که بشریت را از پیشرفت عقلانی و علمی مورد نظر مدرنیته دور نگه می‌دارد، نیز وجود دارد. بنابراین یکی از پایه‌های مدرنیسم، گسستی بی‌رحمانه از شرایط تاریخی گذشته است. در واکنش به چنین رویکرد بی‌رحمانه‌ای، پست مدرنیسم مایل به بازاندیشی و سنجش مجدد سنت است. این توجه به سنت نزد برخی اندیشمندان پست مدرن به شکل نوعی نوستالژی به گذشته مطرح می‌شود و نزد برخی دیگر به شکل بازاندیشی انتقادی آن.

این وجه از تفکر پست مدرن نیز در فکر برنامه‌ریزی، بازتاب داشته است. برنامه‌ریزی شهری مدرن به عنوان حرفه‌ای در واکنش نسبت به بی‌نظمی‌های شهر صنعتی سده‌ی نوزدهم شکل گرفت و نوید اصلاح بنیادی شهر را می‌داد. تصور برنامه‌ریزان مدرن از شهر تاریخی این بود که مخروبه‌ای است غیر قابل تعمیر؛ و در عین حال تصور می‌شد که آینده‌ی شهری متعلق به بافت‌های نوساز برنامه‌ریزی شده‌ی عقلانی است. این تصور در باب برتری «جدید» بر «قدیم» را می‌توان در دفاع‌هاورد از احداث شهر در یک «زمین بکر»^۱ و نیز تمایل رایج به محور شهر قدیمی جستجو کرد. اما شهرسازی پست مدرن در پی احیای سنت گرایی است. به عوض یک گسست تام و تمام با سنت و گذشته‌ی شهری، برنامه‌ریزی و شهرسازی پست مدرن در پی آشتی با گذشته است. بدین معنا که میراث فرهنگی شهری گذشته و بافت‌های تاریخی شهری را احیا نماید. ظهور جنبش‌های معاصر برای حفاظت از بافت‌های تاریخی و اینکه بسیاری از بافت‌های جدید شهری با اصول «نو- سنت گرایی»^۲ ساخته می‌شوند نشان دهنده‌ی گذار از تفکر مدرن به پست مدرن است.

۴- برنامه ریزی و نحوه‌ی تنظیم کاربری زمین: از برنامه ریزی مدافع تفکیک تا برنامه ریزی هوادار یکپارچگی و انسجام

برنامه ریزی شهری مدرن پیرو فلسفه‌ی مدرن، متمایل به جدا نمودن واقعیت از طریق تقسیم و طبقه‌بندی امور است. در برنامه‌ریزی مدرن شهر را براساس کاربری زمین و کارکرد تقسیم بندی نمودند. آنها به این امر که شهر ملغمه‌ای از کارکردها و افراد مختلف است که با یکدیگر همزیستی دارند توجهی نداشتند، و صرفاً

1. Clean sheet

2. Neo-traditionalism

هدف خود را که مرتب نمودن منظم شهر به اجزایی جدا از یکدیگر بود دنبال می کردند. این فلسفه‌ی جدا انگارانه^۱ را می توان در شهر صنعتی تونی گارنیه و آرای لوکوربوزیه و منشور آتن یافت. جین جاکوبز یکی از منتقدین جدی برنامه ریزی مدرن معتقد بود که تقسیم شهر به کاربری‌های منفک از هم، منجر به ایستایی و بی روح شدن حیات شهری می شود و معتقد بود که کاربری‌های مختلط^۲ یک پیش شرط اساسی برای سرزندگی شهری است. پس از جاکوبز نقدهای دیگری به تفکیک فضاهای شهری از طریق منطقه بندی^۳ وارد شد و به مسائلی نظیر انزوای اجتماعی، آلودگی اکولوژیکی و سلطه ی طبقاتی اعتراض شد (کالتروپ، کریر، بوبر). در دهه های اخیر کاربری های مختلط – به عنوان یک موضوع کلیدی پست مدرن- مورد اجماع بسیاری از نظریه پردازان برنامه ریزی اعم از نوشهرسازان، طرفداران رشد هوشمند و جز آن، قرار گرفته است.

۵- **فرم و تراکم شهری:** از برنامه ریزی مدافع باغشهر تا برنامه ریزی معطوف به الگوی فشرده یکی از عناصر اصلی ایدئولوژی مدرن، ایده‌ی «سلطه ی انسان بر طبیعت جهت تولید ثروتی از کالاهاست». نزد مدرنیست‌ها طبیعت، دریایی از منابع زوال ناپذیر بود که تنها هدف آن ارضای نیازهای انسان است. رفته رفته با ظهور فجایع اکولوژیکی در سده‌ی بیستم به محدودیت‌های طبیعت از جمله محدودیت زمین، پی برده شد و باعث ظهور آگاهی اکولوژیکی به عنوان نشانه‌ای از پست مدرنیته شدن فرهنگی شد. در حیطه‌ی برنامه ریزی شهری نیز در این زمینه شاهد تغییراتی بودیم. در برنامه ریزی اولیه (مدرن)، تراکم کم و خالی گذاردن اراضی شهری پیشنهاد می شد. این دیدگاه های در ضدیت با شهری شدن^۴ از هاورد تا رایت، در پی پیوند برقرار کردن میان شهر و طبیعت بودند. تصور آنها مبتنی بر این اندیشه‌ی مدرن بود که اراضی خالی نامحدودند و مختص استفاده‌ی انسان هستند. پس از آنکه برنامه‌ریزی در سال های پس از جنگ به این ایده، در قالب شهرهای جدید جامه‌ی عمل پوشاند، حاصل ارتباط ناچیزی با خواست پیوند برقرار نمودن میان شهر و طبیعت داشت و بیشتر تصاحب و تملک طبیعت بود. اینک اما تفکر رایج برنامه ریزی در پی کاستن از مصرف زمین است که به معنای محدود نمودن پراکنده رویی^۵، حفاظت و نگهداری از فضاهای باز و اعاده‌ی حیات شهری است. اینک وفاقی در باب ارتقای فرم‌های فشرده، شهری و با تراکم بالا در میان تفکر برنامه‌ریزی به چشم می خورد؛ ایده‌هایی که در راستای نیل به پایداری شهری هستند^۶.

1. Segregationist philosophy

2. Mixed-use

3. zoning

4. deurbanization

5. sprawl

6. See: Hirt, S, 2005, Toward Postmodern Urbanism, Evolution of Planning in Cleveland, Ohio, Journal of Planning Education and Research

موضوع این کتاب ناظر بر مورد اول یعنی چیستی و ماهیت شکل دهنده فرایند برنامه‌ریزی است. در اینجا با سیاست‌گذاری، نحوه‌ی تصمیم‌گیری، عقلانیت‌پشتیبان در نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط با آنها سر و کار داریم. در فصل نخست، به معرفی اجمالی تحولات فکری در عصر جدید پرداختیم. ابتدا با تاملی بر مدرنیته، مهمترین تغییر و تحولات نظری و اجتماعی را در حوزه‌های مختلف به اجمال مورد بررسی قرار دادیم، سپس با مروری بر مهمترین مکاتب روش‌شناسی فلسفه‌ی علم نحوه‌ی دگرگونی تفکرات مرتبط در این زمینه را نشان دادیم. در پایان تحلیلی از نسبت این تحولات با نظریه‌ی برنامه‌ریزی ارائه شد تا بدین طریق تصویر روشن‌تری از نسبت «متن» برنامه‌ریزی با «زمینه»ی آن ترسیم گردد. مطالعه‌ی مجدد این فصل پس از اتمام کتاب می‌تواند به درک بهتر موضوع یاری رساند.

در فصل دوم، به تلاش‌هایی که برای پرتو افکنی بر مفهوم «نظریه‌ی برنامه‌ریزی» شده است نظر می‌کنیم و در این راستا مهمترین گونه‌شناسی‌های مرسوم و دسته‌بندی‌های رایج در مکاتب جهانی برنامه‌ریزی مرور گردیده است. در فصل سوم، ریشه‌ها و تبار نظریه‌ی برنامه‌ریزی عقلانی- اثباتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل ریشه‌های برنامه‌ریزی عقلانی در تولد برنامه‌ریزی مدرن، از سنت آرمانشهرگرایی و برنامه‌ریزی اقتصادی در سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ تا مدل عقلگرایی جامع برنامه‌ریزی، جستجو شد و نهایتاً تحولات آن در آرای فالودی و آرکیبوجی پی گرفته شد.

در فصل چهارم، واکنش‌ها به برنامه‌ریزی عقلانی- اثباتی مورد بررسی قرار گرفت. این فصل ابتدا به شرح موضع‌گیری‌های عمده و تاثیرگذار در دهه‌ی ۱۹۶۰ می‌پردازد. این قسمت شامل برنامه‌ریزی وکالتی، نردبان مشارکت، اندک‌افزایی و پویش مختلط می‌شود. سپس به رویکرد راست جدید به برنامه‌ریزی پرداختیم و در این راستا ریشه‌های فکری و فلسفی آن را بررسی نمودیم. در مرحله‌ی بعد به مرور مهمترین نظریه‌ها در سال‌های پس از ۱۹۷۰ توجه شده و در پایان با ارائه دسته‌بندی‌های زمانی و مفهومی به تشریح نظریه‌های (نو) پراگماتیسم، کنش ارتباطی، دوسویه، رادیکال و مارکسیسم در نظریه معاصر برنامه‌ریزی و خوانش نوین از آن پرداخته شده است. نکته بسیار مهم درخصوص محتوی نوشتاری کتاب، توجه به نگرشی تحلیلی و اثربخش به مفاهیم بنیادین شکل دهنده نظریه برنامه‌ریزی در شکل‌گیری الگوواره‌های عمگرا و حرفه‌ای در این قلمرو است. فقدان گفتمان مؤثر بین حوزه نظر و عمل برنامه‌ریزی، که نه تنها در ایران بلکه در گستره‌ی جهان، همواره زمینه‌ساز بروز تعارضات و ناکارآمدی بینش‌های نظری و اسناد برنامه‌ای را فراهم آورده، علت کثیری بوده است که الزام در ایجاد تحولات شورش‌گونه در ماهیت و رویه‌های نظریه برنامه‌ریزی را فراهم آورده است که مبنای چالش بنیادین این کتاب است.

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول: تاملاتی بر مدرنیته و مکاتب روش شناسی فلسفه ی علم

- ۱- مدرنیته و نظریه ی برنامه ریزی ۱
- ۱-۱- تاملاتی بر مدرنیته ۲
- ۱-۱-۱- سرعت و شتاب تولید و دگرگونی حیات اجتماعی ۴
- ۱-۲- فلسفه ی مدرن : سوژکتیویسم مدرن ۸
- ۱-۳- هنر مدرن و بحران بازنمایی ۱۳
- ۱-۴- معماری و شهرسازی مدرنیستی ۱۴
- ۱-۵- مدرنیته از منظر برخی جامعه شناسان ۱۷
- ۲- نظریه مکاتب روش شناسی فلسفه ی علم ۲۱
- ۲-۱- پوزیتیویسم منطقی و استقرائگرایی: حلقه ی وین و مکتب کمبریج ۲۳
- ۲-۲- راسیونالیسم انتقادی ۲۶
- ۲-۳- مکتب جامعه شناسی فلسفه ی علم ۲۷
- ۲-۴- رویکردهای تفسیری ۳۰
- ۲-۵- فلسفه ی علم هرمنوتیک ۳۱
- ۲-۶- نظریه ی انتقادی ۳۴
- ۲-۷- تحلیلی از مکاتب روش شناسی فلسفه ی علم در پیوند با نظریه ی برنامه ریزی ۳۸

فصل دوم: چیستی نظریه ی برنامه ریزی

- نظریه ی برنامه ریزی چیست؟ ۴۳
- ۱- دسته بندی های تاریخی نظریه های برنامه ریزی ۵۳
- جان فریدمن (۱۹۸۷) ۵۳
- پیتر هال (۱۹۸۸) ۵۶
- نایجل تیلور (۱۹۹۹) ۵۶

- ۲- گونه شناسی های نظریه های برنامه ریزی ۵۹
- آندریاس فالودی (۱۹۷۳) ۵۹
- بارسلی هودسن (۱۹۷۹) ۶۰
- نایجل تیلور (۱۹۸۰) ۶۱
- آندرئاس فالودی (۱۹۸۲) ۶۳
- پتسی هیلی و همکاران (۱۹۸۲) ۶۴
- اورن ایفتاشل (۱۹۸۸) ۶۸
- ارنست الکساندر (۲۰۰۰) ۷۳
- فیلیپ آلمندینگر (۲۰۰۱) ۷۷
- مایکل بروکس (۲۰۰۲) ۸۱
- فیلیپ آلمندینگر (۲۰۰۲) ۸۳
- ۳- سایر دسته بندی های نظریه های برنامه ریزی ۸۹
- سوزان و نورمن فاین اشتاین (۱۹۷۱) ۸۹
- فیلیپ کوک (۱۹۸۳) ۹۰
- جیمز سیمی (۱۹۸۷) ۹۱
- فرانکو آرکیبوجی (۲۰۰۸) ۹۱

فصل سوم: برنامه ریزی عقلانی - فرآیندی؛ ریشه ها و تحولات

- ۱- چشم انداز های نظری در سالهای پیش از جنگ دوم (پیش از ۱۹۵۰) ۹۵
- ۱-۱- کل نگری تجربی (سالهای ۱۸۵۰ تا ۱۹۳۵) ۹۸
- ۱-۱-۱- آرمان شهر گرایی ۹۸
- ۱-۱-۲- تاثیر سوسیالیست های آرمان گرا بر فکر برنامه ریزی ۱۰۰
- ۱-۱-۳- ابنزر هاورد (۱۹۲۸-۱۸۵۰) ۱۰۱
- ۱-۱-۴- سایر جریان ها ۱۰۲
- ۲-۱- همپیوندی علمی (۱۹۵۰-۱۹۳۵) ۱۰۳
- ۱-۲-۱- عقلانیت نزد ماکس وبر ۱۰۴
- ۲-۲-۱- کارل مانتهایم و اندیشه ی برنامه ریزی ۱۰۵
- ۳-۲-۱- برنامه ریزی پس از جنگ جهانی اول: مروری بر تجربیات آمریکا و شوروی ۱۰۶

- ۲- چشم اندازهای نظری در سالهای پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۵۰ به بعد) ۱۰۹
- ۲-۱- الگوی برنامه ریزی کینزی ۱۱۲
- ۲-۲- نظریه ی برنامه ریزی جامع عقلانی ۱۱۵
- ۲-۳- نظریه ی برنامه ریزی سیستمی ۱۲۱
- ۲-۴- نظریه ی برنامه ریزی فرآیندی (عقلانی-اثباتی) ۱۳۴

فصل چهارم: واکنش ها به الگوی برنامه ریزی عقلانی - فرآیندی

- ۱- ظهور نظریه های رقیب در دهه ی ۱۹۶۰ ۱۵۳
- ۱-۱- نردبان مشارکت ۱۵۴
- ۱-۲- برنامه ریزی وکالتی ۱۵۵
- ۱-۳- اندک افزایی ۱۶۰
- ۱-۴- پویای مختلط ۱۶۳
- ۲- راست جدید، نئولیبرالیسم و نظریه ی برنامه ریزی ۱۶۷
- ۲-۱- لیبرالیسم ۱۶۷
- ۲-۲- نظریه ی اقتصادی کلاسیک ۱۶۹
- ۲-۳- نظریه ی اقتصادی نئوکلاسیک ها ۱۷۱
- ۲-۴- توجیه برنامه ریزی در رویکرد نئوکلاسیکی ۱۷۲
- ۲-۵- راست جدید و برنامه ریزی ۱۷۵
- ۳- پراگماتیسم و برنامه ریزی ۱۸۱
- ۴- برنامه ریزی دوسویه و برنامه ریزی رادیکال ۱۹۰
- ۵- برنامه ریزی همکارانه ۱۹۷
- ۵-۱- هستی شناسی ۱۹۹
- ۵-۲- شناخت شناسی ۲۰۵
- ۵-۳- روش شناسی ۲۱۲
- ۶- مارکسیسم و نظریه ی برنامه ریزی ۲۱۶
- ۶-۱- مارکس و شهر: ماتریالیسم تاریخی ۲۱۶
- ۶-۲- نقد برنامه ریزی مدرن در آرای مارکس ۲۲۱

۲۲۱	 ۱-۲-۶- نقدِ مارکس بر سوسیالیست های آرمانگرا
۲۲۳	 ۲-۲-۶- نقدِ سوسیالیست های آرمانگرا
۲۲۴	 ۳-۲-۶- نقدِ مارکسی بر نظریه ی باغشهر
۲۲۵	 ۴-۲-۶- نقدِ مارکسی بر برنامه ریزی سده ی بیستم
۲۲۶	 ۵-۲-۶- نقدِ مارکستی از رهیافت طراحی- محور
۲۲۷	 ۶-۲-۶- نقدِ رویکرد سیستمی و علم گرایی نخبه گرا از منظر مارکسی
۲۲۷	 ۷-۲-۶- نقدِ مارکسی از برنامه ریزی به مثابه کنش سیاسی
۲۲۸	 ۳-۶- تحلیل (نو)مارکسیستی از شهر و نظریه ی برنامه ریزی شهری
۲۲۹	 ۱-۳-۶- انباشتِ سرمایه و شهر
۲۳۰	 ۲-۳-۶- نقش برنامه ریزی شهری در سیستم بازار
۲۳۳	 ۴-۶- نظریه ی انتقادی و حق به شهر
۲۳۵	 ۵-۶- نظریه ی برنامه ریزی در آرای لوفور، کاستلز و هاروی
۲۳۵	 ۱-۵-۶- آنری لوفور
۲۴۰	 ۲-۵-۶- مانوئل کاستلز
۲۴۵	 ۳-۵-۶- دیوید هاروی
۲۴۹	 جمع بندی
۲۵۹	 واژگان
۲۶۷	 فهرست منابع